

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ سپتمبر ۲۰۲۰

نه به ملیشه سازی، آری به مسلح شدن توده ها!

دوشنبه - ۲۴ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به خبر های امروز گوش فرا داده باشید، یکی از مهمترین خبر های امروز احضار مقامات امنیتی دولت دست نشانده، در "ولسی جرگه" - "طویله" - حاکمیت دست نشانده بود. تعدادی از اعضای طویله بر نهاد های امنیتی دولت دست نشانده اعتراض داشتند، که زیر نام "برنامه میثاق امنیتی" و دفاع از "خیزش های مردمی" نهاد های امنیتی دولت دست نشانده تلاش می ورزند تا "سیاست ملیشه سازی" را در افغانستان عملی نمایند. در یادداشت امروز توجه شما را به بحث در همین مورد جلب می نمایم. جهت ایضاح بهتر مطلب نخست تفاوت های ماهوی و شکلی بین "ملیشه" و "گروه های دفاع از خود" را باز می نمایم:

الف- ملیشه و ملیشه سازی:

این که کلمه ملیشه برخاسته از زبان خود ما نیست و به همین علت در فرهنگها تعریف خاصی برایش یافته نمی توانیم، بدان معنا نیست که زبان ما ناقص است و در دیگر زبانها تعریف مشخصی از آن وجود دارد، بلکه واقعیت قضیه این است که این کلمه در سایر زبانها نیز تعریف خاص و مشخصی ندارد، از همین رو شکل بروز آن در کشور های مختلف، به آن تعریف های متفاوت داده است. مثلاً:

*- در جریان جنگهای داخلی امریکا گروهائی بودند که علی رغم حمایت کلی از سیاستهای یک طرف جنگ یعنی شمال و یا جنوب، در کلیت آن زیاد تابع قوانین نظامی و حتا اداری حاکم در جامعه نبودند،

*- در زمان حیات شوروی به خصوص تا زمانی که سیاست های کلی دولت پرولتری به نفع و به دفاع از منافع زحمتکشان آن کشور اعم از کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان بود، به گروه ها مسلحی اطلاق می شد که خارج از چوکات ارتش سرخ، به مثابه ممد و کمک کننده آن ارتش در تمام ساحات، از طرف توده های کارگری و دهقانی به مثابه بازوی توانای ارتش سرخ سازماندهی شده بودند، آنها علی رغم آن که از امتیازات ارتش سرخ برخوردار نبودند، مگر در اطاعت از قانون، فداکاری و جانفشانی در جهت خدمت به خلق به هزاران تن "قهرمان شوروی" را تقدیم جامعه و تاریخ خویش نمودند.

*- در پاکستان ملیشه ها قشری از افراد غیر نظامی اند که دولت آن کشور در مناطق قبایلی آنها را در پیوند با حاکمیت سازماندهی، اعاشه و تمویل می نماید،

*- در زمان حاکمیت جنایتکاران خلق و پرچم، ملیشه ها عمدتاً متشکل از نیروهای مسلحی بودند که زمانی در تقابل با دولت دست نشانده روس قرار داشتند و روی دلایل مختلفی از جمله جنگهای داخلی بین اتحاد مقاومت رسمی، خود را به حاکمیت تسلیم نموده، به مثابه بازوی اجرائی و دست دراز حاکمیت دست نشانده، بدون توجه به کدام قانونی عمل می نمودند.

از مجموع اشکال متعدد بروز آنها در کشور های متعدد می توان محور های مشترک آنها را مشخص ساخت:

*- افراد و نهاد های غیر نظامی اند، که در برخی مواقع فعالیت های نظامی نیز می نمایند،

*- بازوی اجرائی حاکمیت های موجود بوده، عمدتاً از جانب حاکمیت اعاشه و تمویل می گردند،

* - ماهیت آنها برخاسته و منبعث از ماهیت حاکمیت است، یعنی هرگاه حاکمیت، حاکمیتی باشد از نوع شوروی سابق با سیاست پرولتری، آنها نیز ماهیتاً در خدمت انقلاب و دفاع از سیاست های پرولتری قرار دارند چنانچه در جریان جنگ کبیر میهنی شوروی و دفع تجاوز فاشیزم به ده ها هزار تن از این سنخ که همه به پارتیزان مسمی بودند، در کنا ارتش سرخ و دوشادوش آنها بار جنگ را بر دوش کشیده، با ایثار جان شان، نگذاشتند میهن شان در زیر سلطه دهشتناک فاشیزم هیتلری خرد و نابود گردد، عکس آن هرگاه حاکمیت، یک حاکمیت دست نشانده و ضد مردمی از قماش حاکمیت خلق و پرچم و یا هم دولت های پاکستان و کشور های مشابه آن باشد، مسلم است که آن تشکل به مثابه ابزار تحمیل اراده و تمویل سیاست های حاکمیت دست نشانده و ضد مردمی و ارتجاعی بوده، خلع سلاح آنها به مثابه بخشی از نیروهای قهریه دولت های ضد مردمی از اهداف هر انقلابی به شمار می رود.

ب- گروه های دفاع از خود:

عکس ملیشه ها و تشکلات آنها، گروه های دفاع از خود از لحاظ تاریخی، قدیمی ترین شکل سازماندهی است که انسان های اولی جهت بقاء و ادامه حیات شان بدان رجوع نموده اند. این نوع تشکل که گاهی در تقابل با دشمنان قریه، ده و منطقه عرض اندام نموده و زمانی جهت دفع دشمنان و مهاجمان خارجی، زمانی جهت مبارزه علیه افراد و باند های شرور و در بسا مواقع علیه حاکمیت دولتی زورگو و جبار، هیچ نوع ارتباطی با حاکمیت دولتی نداشته، بازوی اجرائی امیال و اهداف همان قریه، ده و شهر خاص است.

این که حاکمیت ها در بستر زمان تلاش نموده تا از طریق ارائه برخی از کمکها آنها را به طرف خود بکشانند و در نهایت به بازوی اجرائی امیال خود مبدل سازند، بدان معنا نیست که آنها از آغاز و قبل از استحاله به دنباله حاکمیت، نیز ارتجاعی و ضد مردمی بوده اند.

گروه های دفاع از خود که در ادبیات سیاسی بیشتر به نام "کمپته های دفاع از خود" مسما گردیده اند، نخستین و اساسی ترین شکل سازماندهی توده ئی- دهقانی یا کارگری- است که در صورت حفظ استقلال و تعقیب سیاست اتکاء به نیروی خود، می توانند تا شورا های دهقانی و کارگری تکامل نمایند. از همین رو نه تنها در مخالفت با مسلح شدن آنها ایستادن حرکت ارتجاعی و ضد انقلابی است، بلکه سیاست "توده ها را مسلح کنید"، برنامه عملی خود را از همین بستر مساعد می سازد. این که تعدادی از به اصطلاح روشنفکران و عناصر سیاسی نیز گاهگاهی روی دلایل ضد انقلابی و تمام مردم را با یک جاروب روبیدن، شعار خلع سلاح توده ها را نشخوار می نمایند، از قبل باید گفت، که ضریب مغزی

همچو افراد پاننتر از خر معمولی می باشد و بلغور های آنها هیچ ربطی به مبارزه مسلحانه توده ئی و مارکسیزم-لنینیزم
- اندیشه مائوتسه دون ندارد. - ادامه دارد